

"بد دفاع کردن" نوآموزان قدیمی!



پیوسته گذشته قسمت یکصدویکم :

هنگامی که دین مقدس اسلام از سوئی به عنوان بزرگترین تفکر آزادی بخش و نیرومندترین پایگاه برای تحقق عدالت انسانی برای عموم بشریت اعم از مخالفان و موافقان شناخته شده و در چند سال اخیر که سالهای پربرکت علم و آگاهی بشمار می آید و این وضع سبب شده تا نه تنها با سرعت خارق العاده موج گسترده ای از نهضت عدالت خواهانه و مترقی را در جهان برانگیزد بلکه در این راه دارای مکتب فکری مشخص و آرمان های اجتماعی معینی است در مقابل این جهش عظیم تاریخی که بر قرنت مترقی و علمی از اسلام استوار است موجی از خرافات و سمپاشی های متحجرانه و استوار بر فورمول **قال** ، **قال** در برابر این نهضت علمی پدید آمد تا چهره ء عدالت خواهانه نهضت های اسلامی در چشم افکار عمومی مسخ کنند . خیلی جالب است که در پیشاپیش این توطئه های مرموز و تهمت های ناانصافانه رجال برجسته و صاحب نامی صف بسته اند که بادریغ و تأسف از قرنت سنگواره ایی غیر اجتهادی در حوزه مذهبی پیروی میکنند ، البته این طائفه ای از پهلوانان و شوالیه های مذهبی در تمامی عمر نشان داده اند که در لاک منافع شخصی و زندگی خصوصی خویش خزیده بوده اند و در برابر نابودی دین وریشه کن شدن اسلام و مصیبت های مرگبار مسلمانان جهان هرگز اندکترین حساسیتی نداشته اند منزله ترین شان وجود های نازنینی بوده اند که در تاریک ترین سالهای که بر ملت ها می گذشته آنها تنها در اندیشه ء گرم ساختن بازار مکارهء **"سیا"** سی به سر برده اند .



بدون شک حسد – خود خواهی – تعصب و تحجر – بیسوادی عمومی منفعت طلبی های فردی و مصلحت پرستی های صنفی و کینه های مذهبی و دشمنی های تاریخی و طبقاتی موجب شده اند که دشمنان تابلودار دین به عنوان یک تفکر و اندیشه موفق شوند و با شایعه سازی های تاریخی ، دروغ های آشکاری را منصوب به دین بسازند شناخت چنین مراحل از تاریخ جوامع اسلامی بسیار

آموزنده است و شناخت دقیق " اسلام معاصر " بویژه نهضت های ضد استعماری و مترقی مسلمانان فریضه علمی و فکری تمامی روشنفکران مسؤل در جهان است اما برای اینکه بدانیم روح این گفتمان هیولائی حاکم بر جهان اسلام بویژه در تاریخ باستانی کشور ما با کدامین پایه های تاجر و خشونت گره خورده است ، باز هم برای آغاز مقدمه بر مبحث کنونی ما توجه شما را به سخنان یکی از افراطی ترین موجود در طائفه ای از پهلوانان معرکه ء مفت خوری و رپوژر مسخ مفاهیم دینی بویژه در حوزه ترمولوژی قرآن کتاب مقدس الهی را که شاید بار ها از نظر گذرانده باشید معطوف میدارم .

<https://www.youtube.com/watch?v=J3nntZSP56s>

می بینید عزیزان ! که این انسان نمای شیطان صفت چگونه مفاهیم روشن قرآن پاک را بامشروعیت منبرمافیائی شبه مذهبی خود مسخ میدارد ؟ زیرا آیه ای که این پیرو شیطان در جامه انسان به قرئت گرفت یعنی : **فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبِ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَتَخْتَنُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فِيمَا مَنَّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ۗ ذَٰلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَآنْتَصِرَ مِنْهُمْ وَلَٰكِنْ لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ ۗ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ**.... هیچگاه به معنی گردن زدن نبوده بلکه **" ضَرْبِ الرِّقَابِ "** به معنای نشانه گیری مراکز مراقبت و تصمیم گیری میباشند که اضمحلال برنامه ها و دکترین جنگی کافران رامیرساند و مسلمانان را بر ضرورت خرد و عقلانیت متوجه و ملزم میدارند . اما نباید فراموش کرد که سایه چنین معنا و اینگونه تفسیر اشتباه آمیز بخشی از آیه ۴ سوره محمد قرآن پاک بویژه در معنای **" ضَرْبِ الرِّقَابِ "** را که در مغائرت کامل با معنا و مفهوم حقیقی آن به کشتن مشرکان تعبیر و تفسیر گردیده در شریان های سرتاسر قرئت و گفتمان اقتدارگرایی غیر اجتهادی با وضوح به مشاهده میرسد. روشن است که کانون مرکزی این قرئت ، فقه تاریخی میباشد که در نظام حقوقی اسلام در هرگونه شرائط تاریخی و جغرافیای با فتاوی خلفای حاکم بر سرنوشت ملتها مورد تطبیق قرار میگردد . البته چنانچه قبلاً تذکر داده شد این گفتمان سنگواره ایی که بر سرنوشت اکثریت جوامع بشری سایه افکنده است با نگاه فلسفی شرک آلود و غیر توحیدی تاریخی فقهای بزرگوار مذاهب اسلامی نسبت به شناخت هستی و انسان تعلق گرفته است . طبیعی است که نباید انتظار داشت با چنین بینش شرک آلود و نگاه معیوب فلسفی نسبت به انسان و هستی که بر گفتمان غیر اجتهادی و غیر عقلانی استوار میباشد از بطن چنین قرئت ترقی و پیشرفت تمدنی جامعه انسانی را بیرون آورد . البته باید یادآوری نمود که علماً و فلاسفه ء نواندیش جهان اسلام که فرآیند اجتهاد مذهبی را موتور اصلی یک نظام پویا و مترقی می دانند قرئت تاریخی و غیر عقلانی شریعتمدار اقتدارگرا را در مغائرت با روح اصلی دین مبین اسلام میدانند و برای تحکیم همه جانبه چنین قرئت مترقی از اسلام مبتنی بر نهادینه سازی حرمت به دیگر اندیشان و مخالفان تیوریک مبارزه مسالمت آمیزی می نمایند .

مفتی حرف مفت میزند ولی مفت حرف نه میزند !

پس از نصب اداره مستعجل موسوم به دولت وحدت ملی افغانستان که در نتیجه مداخله مستقیم حضرت جان کری John Forbes Kerry وزیر خارجه قصر سفید و یان کوبیس Jan Cobes نماننده سرمنشی ملل متحد در افغانستان به وجود آمد با گذشت هرروز نه تنها پرده از چهره اصلی شوالیه های مذهبی و مفتیانی که کارت حضورواشتراک شان را درجهاد مقدس مردم افغانستان به مثابه فتوای جنایت و غارتگری به میدان می آورد بر زمین افتید بلکه تعلق شان با قرئت و گفتمان تاریخی از اسلام را نیز نتوانیستند پنهان سازند . البته پارادوکس میان باورها و شعار های که در نتیجه دوره ء پسااطالبانی

بر تعداد زیادی از رجال و شخصیت های مذهبی و تکنوکراتهای پادو صفت استعمار بوجود آمده ریشه های آن در مزرعه کاریکاتوری لیبرال دموکراسی ، حقوق بشرمافیائی و آزادی های مصنوعی و نرم افزاری غرس شده است .

<https://www.youtube.com/watch?v=gThRFIAPgYc>

آقای انورالحق احدی یکی از بزرگترین رجال تکنوکرات که مردم را برای حمایت از اشرف غنی فرامی خوانند .

هرچند بسیاری از شعار های رجال مطرح اردوگاه جهادی و تکنوکراتهای شبه روشنفکری که در حوزه اعتقادات از ترویج تعصبات قومی و نژادی تغذیه میشوند به نفع یکی از دو مهره آورده شده به صحنه قدرت شعار بلند بالای میدادند اما شاید هیچ جمله ای و هیچ نسخه ای در باره تأمین امنیت و مبارزه با مخالفان مسلح که استاد عبدالرب رسول سیاف دانشمند مسلم احادیث رهبر یکی از بزرگترین گروهی از مجاهدین و مالک چندین شهرک ، دانشگاه و شبکه تلویزیونی ۲۴ ساعته که در یک گردهم آئی بصورت رندانه و در استناد بر آیه های از قرآن پاک و بصورت فتوی گونه در قیافه یک دیکتاتور خونریز تاریخ ظهور میکند و خود را نشسته بر مسند الله و رسول وی قرار داده و مخالفین خود را مستحق مرگ با شکنجه می شمارد اینگونه می فرماید :

<https://www.youtube.com/watch?v=I3D8IXQndYg>

ببینید عزیزان ! وقتی آن نیمچه آخذ به استناد بر آیه **فَإِذَا لَفِئَتُهُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ** برای گردن زدن کفار و مشرکان حکم صادر میکند ، آنرا نباید یک فتوای برآمده از شکم گرسنه اش دانست ، بلکه باید پذیرفت که سایه این گفتمان متحجرانه و غیر عقلانی بر تمامی هواداران قرئت تاریخی و گفتمان اقتدارگرا از اسلام سایه انداخته است بدون شک که استحکام این گونه مناسبات در جامعه همانا گفتمان شرک آلودی است که دین مبین اسلام در شبه جزیره عرب بخاطر زدودن آن مناسبات ظالمانه و غیر عادلانه ظهور نموده بود . سوال این است که چگونه ممکن است که در یک مقطع خاص تاریخی و در یک نقطه ویژه جغرافیا وی صدای واحدی از حنجره های جداگانه ای برمیخیزد ؟ البته واضح است که این رجال مجهز بر علم تاریخی در حوزه فقه و قانون استناد میکنند از لحاظ جهان بینی فلسفی پیرو نگاه شرک آلودی اند که نتوانسته تأثیر آن در حوزه فقه و فتوی در عصر حاضر را پنهان سازند .



فرهنگ جهاد بحیث وجدان ملی !

چنانچه به ملاحظه می‌رود برخی از نامدارترین مجاهدان وقتی احساس میکنند که دیگر نه میتوانند از اعتیاد بر مصرف و مفتخواری با این سادگی نجات یابند تنها سبکه‌ای که در جوامع عقب مانده شرقی منجمله افغانستان در تمامی فصول مورد معامله قرار می‌گیرد همانا حضور عملی در جهاد مقدس مردم افغانستان است که در مقطعی از تاریخ تمامی مردم سلحشور افغانستان مجبور به هجرت و جهاد فی سبیل الله گردیدند. شاید نا انصافی باشد که این فریضه دینی و ملی را از جایگاه بلند فطری در وجود انسان تا زمین معامله "سیا" سی پائین آورد. پائین آوردن فرهنگ جهاد بطور انتزاعی و معاملاتی مشکلی را حل نه میکند زیرا مصادره ساختن مؤلفه جهاد بنام رجال حقیقی و حقوقی در یک جامعه بزرگترین جفا به مفهوم پویا و دینامیکی است که از روح و ماهیت کلیمه جهاد که از مصدر جهد و تلاش مستمر انسانی برمی خیزد و با تأسف که مغائر با مفهوم اصلی آن پرداختن به این سنت الهی وسیله نان و نام گشته است. جهاد در جامعه افغانستان یک ارزش عبادی قربانی طلب است که باید از سوی همه انسان های آزاده به وجدان ملی مبدل گردد و تمامی نسلهای که در بستر چنین "جدو جهد" به وجود می آیند نسل به نسل و به قلب قلبی از رزمنده گان راه آزادی و عدالت پیوند یابند.



۱ "بد دفاع کردن" نوآموزان قدیمی! عنوان سرمقاله ای بوده که در دوران جهاد مقدس مردم افغانستان علیه ارتش سرخ شوروی این قلم در روزنامه کوثر برشته ای تحریر درآمده بود.